

تازه‌های نشر

آیات محمدی

غزالی‌دعا

«غزالی و دعا» عنوان کتابی است به قلم کوچیرو ناکامورا که با ترجمه شهاب‌الدین عباسی از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه منتشر شد. دکتر



کوچیروناکامورا استاد دانشگاه‌های توکیو و اوپربلین نخستین استاد گروه مطالعات اسلامی در دانشگاه توکیو که بخشی از آثار تخصصی اش به غزالی و آثار او مربوط می‌شود. در این کتاب طی چهار فصل مفهوم دعا و نیایش را در مهم‌ترین کتاب غزالی-احیاءالعلوم- موردکنکاش قرار می‌دهد. ناکامورا در این اثر ضمن به‌دست دادن شناختی موجز از زندگی و اندیشه‌های این اندیشمند بزرگ و پراوازه ایرانی، نظریه خاصی را هم دنبال می‌کند. او ضمن بحث‌های مقایسه‌ای و تطبیقی با عرفان شرقی و ذن بودیسم با اشاره به دیدگاه محقق سرشناس انگلیسی، دکتر مونتگمری وات، این نظر را مطرح می‌کند که بحران شکایت غزالی که در کتاب مشهور او المنقذمن الضلال بازتاب پیدا کرد، صرفاً بحران فردی و شخصی نبود بلکه از بحران تمدنی حکایت داشت که از مناسک محجوری و ظاهرگرایی محض به طرف بازکشف ذخایر و ارزش‌های معنوی و اخلاقی خود حرکت می‌کرد.

درآمدی بر علم‌تصمیم‌گیری

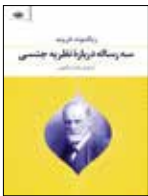
«درآمدی بر علم تصمیم‌گیری؛ تصمیم‌گیری چگونه رخ می‌دهد؟» کتابی به قلم جیمز مارچ با ترجمه ابراهیم افشار است که از سوی نشرنی منتشر شد. جیمز جی. مارچ استاد ممتاز دانشگاه استنفورد، عمده شهرتش را مدیون مطالعات و پژوهش‌هایی است که در زمینه علوم سیاسی و تحقیق درباره نظریه سازمانی است. وی طی حدود هفتاد سال فعالیت‌های دانشگاهی، علمی و پژوهشی ده‌ها مقاله و بیش از ۳۰ عنوان کتاب منتشر کرده و در این کتاب طی شش فصل می‌کوشد به آنچه درباره تصمیم‌گیری اطلاع داریم، آن‌گونه که رخ داده وفادار بماند. فهم هر تصمیم معین به اعتقاد او نیازمند شناخت عمیق از زمینه‌ای است که تصمیم در آن گرفته می‌شود این یعنی شناخت ظرایف تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از محیط تصمیم‌گیری و نیز شناخت از افراد، سازمان‌ها و نهادهایی که در تصمیم‌گیری دخیل بوده‌اند. جیمز مارچ در این کتاب به جای پرداختن به اینکه «چگونه باید تصمیم گرفت» تأکید و تمرکزش را بر این اصل قرار داده است که تصمیم در عمل چگونه گرفته می‌شود».

تاملات ایزاری

«تاملات ایزاری: نیم‌نگاهی به پروژه فکری سیدجواد طباطبایی» اثر جدید حسن قاضی مرادی است که از سوی نشر اختران منتشر شد. حسن قاضی‌مرادی از نویسندگان انتقاد آشنای از مجموعه کتاب «تاملی درباره ایران» نوشته سیدجواد طباطبایی و مشخصاً دوکتاب «مکتب تبریز» و «نظریه حکومت قانون در ایران» است. چنین خوانشی از آن رو ضرورت پیدا می‌کند که به نظر می‌رسد طباطبایی در این مجموعه به تدوین پروژه‌ای اقدام کرده است. طباطبایی در مجموعه «تاملات» خود سیر تحولات اندیشه سیاسی در آثار و فعالیت‌های سیاسی و فکری سه گروه از عاملان سیاسی-روشنفکران که در مجموع تجدد خوانده‌اند، دولت‌مردان مصلح و رجال اصلاح‌طلب و نیز روحانیت مترقی (روحانیت مشروطه‌خواه)- را دنبال می‌کند. این سه گروه در دوره‌ها و سنجش با بررسی طباطبایی از آثار و فعالیت‌های این سه گروه، در واقع نقش عاملان سیاسی در پروژه او شناخته می‌شود. حسن قاضی مرادی در این اثر معتقد است: «طباطبایی دو برخورد کاملاً متفاوت به عاملان مورد نظر خود دارد. از یک سو او عمدتاً به ادعانامه‌نویسی علیه روشنفکران دوره مشروطه و نیز جنبش روشنفکری، در کل می‌پردازد از سوی دیگر ادعانامه‌نویسی‌اش را به نفع روحانیت مترقی و بویژه دولت‌مردان مصلح و رجال اصلاح‌طلب پیش می‌برد. سنجش نظرات طباطبایی درباره آثار و فعالیت‌های سیاسی همه عاملان مورد بررسی‌اش در «تاملات» به درازا می‌کشد. پس از میان روشنفکران صدر مشروطه، ملکم خان، از میان دولت‌مردان مصلح عباس میرزا، قائم مقام فراهانی و امیرکبیر از میان رجال اصلاح‌طلب، مجدالملک و از میان روحانیت مترقی میرزای نائینی را انتخاب کردم و ادعانامه‌نویسی وی را له و علیه اینان به اختصار سنجیدام و...»

سه رساله درباره نظریه جنسی

«سه رساله درباره نظریه جنسی» یکی از مشهورترین و بحث‌انگیزترین آثار زیگموند فروید است که با ترجمه ابراهیم ملک اسماعیلی از سوی مؤسسه انتشارات نگاه منتشر شد. این کتاب در سال ۱۳۴۳ تحت عنوان «سه رساله درباره تئوری میل جنسی» با ترجمه هاشم رضی توسط نشر آسیا منتشر شده بود اما به‌دلیل عدم تجدید چاپ سال‌هاست



که سر از بازار کتاب‌های افست درآورد و در بساط پیاده‌روهای شهرهای بزرگ و کوچک همراه با دیگر کتاب‌های قاجاق و زیرزمینی عرضه می‌شود. حالا ابراهیم ملک افضل‌ی متن کامل این اثر فروید را چاپ انتشارات قیصر- مبنای ترجمه خود قرار داده و برگردانی کامل تر به دست داده است. فروید در این کتاب به تبیین نظریه جنجال پراکنیز خود درباره عقده‌های ایدپ و الکترا پرداخته که به نوعی پایه و اساس اندیشه‌های این روانکاو بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ این علم است.

جزیره‌ی آفتاب

«جزیره بی آفتاب» عنوان سفرنامهای است به قلم محمدجعفر یاققی که حاصل سفر یک ساله او به انگلستان و اروپای غربی از سوی انتشارات معین منتشر شد. محمدجعفر یاققی استاد دانشگاه فردوسی مشهد در این باره می‌گوید: این کتاب حاصل نخستین تجربه من از زیستن طولانی مدت در خارج از کشور است. اصل تجربه به سه سال ۱۹۸۶-۱۹۸۵ (۱۳۶۵-۱۳۶۴) بازمی‌گردد که به اتفاق خانواده برای استفاده از فرصت مطالعاتی که دانشگاه فردوسی مشهد در اختیار مردم گذاشت به انگلستان رفتم. کمبریج انگلستان با دانشگاه پراوازه‌اش که همراه برای پیشتر از جهانی با هاروارد رقابتی تنگناگت داشت و سرانجام هم چند سال پیش رقیب از زبای درآورد و بر سکوی اول نشست. تأثیر زرفی بر ذهن و اندیشه و سامان معلمی من بر جای گذاشت. طوری که از یک طرف پای مرا به سفرهای علمی دور و دراز خارجی باز کرد و از طرف دیگر دریچه‌ای از خودآگاهی و معرفت به رویم گشود.

طوفان فرامی‌رسد

«طوفان فرا می‌رسد» کتابی به قلم مصباح خسروی است که از سوی انتشارات پیوسته منتشر شد. کتاب مذکور نگاهی تازه دارد به حوادث سال‌های پر آشوب و سیاسی (۱۳۳۲-۱۳۲۰) که جامعه جهانی و فضای استثنایی ایران دوران پرتلاطمی را پشت‌سپر گذاشت. نویسنده در این کتاب که طی هفت فصل تألیف و تدوین شده است، فصل اول را به ماجرای



ناپود کردن نیروی دریایی ایران توسط توپخانه‌های انگلیسی و به شهادت رسیدن ۱۳۲۰ سرباز پایدانه باندر و ششصد و پنجاه دیگر پرسنل نیروی دریایی در شهریور ۱۳۲۰ اختصاص داد. نویسنده در فصول دیگر به ماجرای ورود ارتش انگلیس در جنوب و ارتش روسیه در شمال اشاره می‌کند و تبعید رضاشاه به جزیره موریس و نامردهای خاتمشین رضاشاه و شکل‌گیری کابینه قوام از دیگر مسائل مهمی است که موجز و مختصر به آنها پرداخته می‌شود...



سایر محمدی

گفت‌وگو با دکتر قربان بهزادیان نژاد، مترجم و پژوهشگر تاریخ علم:

■ در مقدمه همین کتاب آورده‌اید: «نویسنده این کتاب یعنی مابکل والترز تلاش کرده با تغییر برخی از آیات و روایات منتسب به نبی اکرم(ص) از یک سو جنبه‌های دینی و کلامی طاعون را به مثابه نمونه‌ای از شرور توجیه کند و از دیگر سو برداشت‌های نادرستی که از این منابع فیض بزرگ در جامعه اسلامی دوره میانه اش گرفته‌ر ا تبیین کند و به نظر می‌رسد در نیز به برداشت‌هایی دست‌پا زنده که همسو با روندهای ناصواب در دوره مورد مطالعه است.» در این مورد می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟

دو کتاب از ایشان یعنی والترز دالس ترجمه کردم یعنی هم کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی» هم کتاب «تاریخ جنون در جامعه اسلامی دوره میانه» را. دالس خیلی تلاش کرده مسائل پزشکی و دین به خصوص در حوزه اسلامی را با استفاده از منابع دست اول آشتی بدهد. بحث‌های کلامی که در این زمینه



عکس: مصطفی‌نور

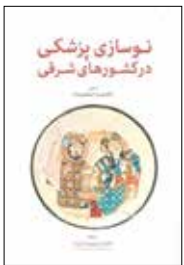
«نوسازی پزشکی و بهداشت عمومی در دوره قاجار» و «نوسازی پزشکی در کشورهای شرقی» دو عنوان از تألیفات دکتر هرمز ابراهیم‌نژاد است که با ترجمه دکتر قربان بهزادیان نژاد یکی از سوی پژوهشکده تاریخ اسلام و دیگری از سوی انتشارات مؤسسه اطلاعات اخیراً به‌بازار آمد. قربان بهزادیان نژاد متولد ۱۳۳۴ دارای دکترای میکروبیولوژی پزشکی و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس بود و در دولت اصلاحات قائم مقام وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. او عضو مؤسس و رئیس مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی و نیز مؤسسه مطالعات فرهنگ و تمدن ایران زمین است که برای اهالی علم و فرهنگ این مؤسسات آشنا است. او هم‌کنون در حوزه پزشکی فعالیت دارد و یک مجموعه ۱۵ جلدی تحت عنوان کلی تاریخ پزشکی و تمدن اسلامی تدارک دیده است که تاکنون ۶ مجلد آن چاپ و منتشر شده و باقی این کتاب‌ها نیز به تدریج عرضه خواهد شد. «طاعون و افول تمدن اسلامی»، «تاریخ جنون در جامعه اسلامی دوره میانه»، نوشته مایکل والترز دالس «پزشکی و اسلام در هند مستعمره» و «پزشکی اسلامی در دوره میانه»، «نوسازی پزشکی و بهداشت در ایران دوره قاجار»، «نوسازی پزشکی در کشورهای شرقی» کتاب‌های این مجموعه است.

وقتی بحث تمدن اسلام و اوج درخشان تمدن اسلامی مطرح می‌شود، بی‌گمان اشاره به تمدن‌هایی است که در آن دوران اسلامی که فرهنگ اسلامی قالب اسانیانفوق‌زده بود. با این نگرش می‌توان پسوند «اسلامی» را کنار پزشکی اسلامی، تمدن اسلامی و... توضیح داد؟

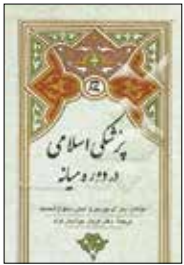
توضیح دادم که اصطلاح پزشکی اسلامی سابقه و قدمت تاریخی چندانی ندارد؛ تا آنجا که من مطالعه کرده‌ام نخستین بار در هند و در بیمارستانی که در دوره مستعمره ساخته شده به کار رفته است؛ ما در این کتاب‌ها دنبال تاریخ اجتماعی و شکل‌گیری پزشکی در جامعه اسلامی هستیم که از دوران پیامبر (ص) شروع می‌شود و به اندلس و از آنجا به اروپا نفوذ می‌کند و در این دوره درخشندگی زیادی دارد. چرا که بسیاری از کتاب‌ها به لاتین ترجمه می‌شود و در پی ریزی دانشگاه‌های نوین تدریس می‌شود. عنوان یکی از کتاب‌های مجموعه به همین موضوع اختصاص یافته است.

■ در همین کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی»، میانه‌دوره‌ای است که خاورمیانه مهد و مرکز تمدن درخشان اسلامی و چهارراه ارتباط تمدن‌ها و اقوام گوناگون بوده است، چگونه باکتری طاعون افول تمدن اسلامی راسب می‌شود؟

چند بحث در اینجا مطرح است که برای پاسخ به این پرسش آنها را باید مد نظر داشت. یک بحث این است که طاعون بیماری جهانشمولی است که از دوره‌های ابتدایی تا دوران طلوع دنیای اسلام در دوران خلافت خلیفه دوم شیوع یافته است. دوم روایاتی هم از پیامبر اکرم نقل شده که در این کتاب دربرایش بحث شده؛ مستندات این روایات را وقتی از اهل آن دمنحل کردیم، دیدم مستندات مستقل و قوی است. یکی اینکه به منطقه طاعون زده نه وارد بشود و نه خارج بشود. یعنی قرطبه منطقه طاعون‌زدگی‌راکنده افرادی از امت من که از بیماری طاعون می‌میرند شهید محسوب می‌شوند و بدون پرسش وارد بهشت می‌شوند. این دو روایت محل بحث و گفت‌وگوی بین کلامی‌ها، قوه... بوده که مضمحل‌تر در کتاب طاعون و افول تمدن اسلامی» مورد توجه قرار گرفته است و به آن پرداخته شد. گاهی هم از روایت دوم برداشت‌هایی شده و می‌شود که جامعه را به سمت خرافه و خرافه‌گرایی برده، اما برگردیم به سوال شما: نخستین تأثیری که بر تمدن می‌گذارد، به مثابه یکی از عوامل سقوط حکومت اموی و سر برآوردن عباسیان است. در مقطع زمانی که کتاب طاعون می‌کند حدود یک‌سوم از جمعیت خاورمیانه را از بین می‌برد. البته اختلاف نظر هست در پذیرش این ارقام که از یک سوم تا یک چهارم متغیر است. در حقیقت طاعون بخشی از جمعیت فعال خاورمیانه را از بین می‌برد و کوبه اجزا و عناصر جامعه گسترش یافته است؛ به سخن دیگر نقل گرایان با استفاده از احادیث و پزشکی بومی عربستان نوعی پزشکی به وجود آوردند که امروزه در جوامع دینی از آن به پزشکی اسلامی تعبیر می‌شود.



جهان اسلام در دوره‌ای به جذب و ارتقای پزشکی کوشیده و موفق هم شده است. تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی، بیت‌الحکمه‌ای تشکیل می‌شود که همه کتاب‌های پزشکی یونانی، ایرانی، هندی به عربی ترجمه می‌شود. حنین ابن اسحاق تنها ۱۲۹ رساله جالینوس که به عربی ترجمه شده را نام می‌برد



موفقیت آمیزی در مان می‌شود، بنابراین مشکل بالفعل حل شده است؛ اما بالقوه می‌تواند جامعه‌ای را دچار مشکل کند. اگرکنیم طاعون ریشه کن نشده (چنان که در بعضی از بیماری‌ها صورت گرفته است). شما اگر وضعیت جامعه ایران در شصت سال پیش را دنبال کنید متوجه می‌شوید، شبکه‌ای برای مبارزه با طاعون داشتیم. در انستیتوی پاستور که بعدها تغییر کاربری داده است. منتها طاعون همچنان در جنگ‌های بیولوژیک، بیوتوریسم و موارد دیگری می‌تواند مشکل آفرین شود و افرادی را مبتلا کند و به جنگ روانی دامن بزند. سال‌های پس از ۲۰۰۰ پشت ترس از این بیماری جهان را فرا گرفت. بحث در این مورد را باید به جلسه خاصی موکول کرد.

■ در همین کتاب عنوان شده. طاعون در ساختن و هم تخلیل و ارتباط انسان با نیروهای ماورایی و شیطانی نقش به‌سزایی داشته است. چطور و چگونه امکان پذیر است؟

وهم و دیو و خیال و... همیشه در ترس‌ها و در برابر ناشناخته‌ها به وجود آمده است. در بین شمال و جنوب، شرق و غرب فرق چندانی وجود ندارد. طاعون به‌دلیل اینکه همواره خورشوع و کشتاری است که می‌توانست به راه بیندازد، بیشتر بوده، ترس ناشی از آن وهم، خیال‌پردازی و خرافات را در پی داشته است. مردم برای مقابله با آن به قدرت‌های ماورایی پناه برده بودند. بسیاری از خرافات و آداب و رسوم جادو، جادوگری و طراحی طلسم‌ها از دل همین ترس از بیماری‌های ناشناخته مخصوصاً طاعون شکل گرفته و رواج یافته است.

بعضاً سنتی یا به اسامی دیگری خوانده می‌شدند روح داشته است؛ همواره به لحاظ علمی بین آنها بده و بستان جریان داشته است. پزشکی که جالینوس، ابن سینا، رازی، بیرونی، ابن نفیس و... عمل می‌کردند پزشکی علمی بوده؛ آنچه افراد غیر آموزش دیده، زنان نان‌خورده بر مبنای تجربه بدون دانش، جادوگران، جن‌گیران و... انجام می‌دادند غیر علمی خوانده می‌شده است؛ خود این سرآمان مرتب شکوه کرده‌اند که در جامعه چنین درمانگرهای فاقد صلاحیت طرفدارانی و مشتریانی دارد. پس وقتی صحبت از نوسازی می‌کنیم پزشکی علمی در برابر پزشکی سنتی مدنظر است. البته ناگفته نپیدا است که در آغاز مواجهه دوشیوه پزشکی طب ایرانی در شرایط خاصی بود که از حوصله این گفت‌وگو خارج است....

■ به نظر یک زمانی شاید پزشکی در غرب با پزشکی در کشورهای شرق بویژه اسلامی تفاوت داشتند و به قول شما پزشکی غربی بریک اصول استوار بود و پزشکی شرقی

بر اصول دیگر، اما امروز دیگر فرق چندانی ندارد مگر در امکانات.

کاملاً درست است. ولی توجه داشته باشید همین امروز در ایران چند نوع پزشکی جریان دارد. پزشکی‌ای که چهره غالب دارد همان پزشکی غربی است که قدرش جذب زیادی دارد و از همه کشورهای شرقی هم هر چه قابلیت کاربردی داشته را جذب کرده است. ولی در دیوار شهرها و روستا و حتی درون خانواده این رقابت و تقابل دیده می‌شود. حتی در دوره‌ای که به ظاهر مظاهر سنتی از جمله پزشکی چندان مقبول نیست سنتی مطرح می‌شود؛ بنا بر این امروز تقابل و رقابت این دو نوع پزشکی در درون جامعه جریان دارد؛ برای توضیح این سخن اشاره گذرا به تاریخچه‌ای ضروری است. در هنگامه مبارزات ضد استعماری‌های روشنفکران احیای پزشکی سنتی خود را جزو مطالبات مطرح کردند و با فراز و فرودهایی تا حدی توفیقاتی به دست آوردند که بسیاری از کشورها برای استفاده از میراث گرانبگ خود از این تجربه بهره گرفتند. بعد از انقلاب احیای پزشکی سنتی و پزشکی اسلامی در دستور کار قرار می‌گیرد. دانشکده‌هایی راه انداخته می‌شود. صرف‌نظر از اینکه دستاوردهای معرفت‌شناسی و اقتصادی این رویکرد چه بوده است. در هر حال روشنفکران دینی و اسلام سیاسی یکی از محورهای تلاش خودش را احیای پزشکی شرقی پزشکی اسلامی و پزشکی ایرانی، (در هند به‌عنوان پزشکی یونانی) قرار داده است. همین الان هم فعالیت‌های گسترده‌ای دارند. موفقیت با عدم موفقیت‌اش بحث دیگری است؛ کنکاش این دو لاقال در چه عنوان از کتاب‌هایی که ترجمه کرده‌ام مورد بحث قرار گرفته است؛ پزشکی غربی و پزشکی شرقی، اینکه چگونه پزشکی غربی آمد و پزشکی شرقی با همه سرمایه‌گذاری‌هایی که برایش صورت گرفته نتوانسته در برابر پزشکی غربی دوام بیاورد.

■ پیش از چهره‌های مطرح غرب، رازی را در پزشکی دارشتم. ابن سینا را داشتم. اینکه به یونان متوسل می‌شویم شاید به این دلیل است که فلسفه اسلامی ما متأثر از فلسفه یونان است. طبیعتاً پزشکی مندهم به تبع فلسفه هند می‌باید از پزشکی یونان متأثر باشد.

اصولاً پزشکی ما ریشه یونانی دارد. وقتی اسلام ظهور می‌کند پرسش شما یعنی نسبت ما با غرب با پاسخ من یعنی بستی طاب در تمدن اسلامی با یونان یکی است؛ به عبارتی پاسخ جای سؤال نمی‌پسندد. این سخن را می‌توان بسط داد مثلاً کمیل که درباره خلافت شرقی مطالعات فراوانی داشته می‌گوید در دوره تمدن اسلامی تاریخ خلافت شرقی بیش از ۴۰۰ پزشک نامور داشته است که تعداد زیادی از آنها ایرانی بوده‌اند ولی آنها که پزشکی را بنیاد گذاشته‌اند این علم یا هنر قدیمی به اندازه نهم مشورت دارد. جهان اسلام در دوره‌ای به جذب و ارتقای پزشکی کوشیده و موفق هم شده است. تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی، بیت‌الحکمه‌ای تشکیل می‌شود که همه کتاب‌های پزشکی یونانی، ایرانی، هندی به عربی ترجمه می‌شود. حنین ابن اسحاق تنها ۱۲۹ رساله جالینوس که به عربی ترجمه شده را نام می‌برد. به هر حال ترجمه مطالعات تاریخی ریشه یونانی پزشکی را تأیید می‌کنند ولی به زمان کنونی در هندوستان پزشکی سنتی با میراث اسلامی را طب یونانی یا سینایی می‌خوانند مؤید فرمایش شما است و حکایت بدون چون و چرایی از تأثیر یونان.